

بعد از شوک نفتی دهه ۱۹۷۰ بود که با افزایش ناگهانی قیمت نفت، کشورهای توسعه یافته در جست‌وجوی راهی بودند تا جایگزین مناسبی برای انرژی‌های فسیلی پیدا کنند، حتی سرانه مصرفشان را از طریق انرژی‌های جایگزین نیز تا حدودی افزایش دادند. بسج همگانی از سوی جامعه علمی و فنی برای تحقق این هدف شکل گرفت، اما بازم هم این نفت و گاز بود که همچنان با اقتدار، اقتصاد کشورهای توسعه یافته را به دنبال خود می‌کشید. هنوز هم نفت و گاز بیش از ۶۰ درصد انرژی مصرفی این کشورها را تشکیل می‌دهد. بسیاری از رفقاها و قایت‌ها و حتی تحولات سیاسی تحت‌تأثیر آن است که انجام می‌شود و به همین دلیل است که امروز سیاست خارجی ایالات متحده را نمی‌توان بدون توجه به سیاست‌های انرژی این کشور تصور کرد. در اتفاقی که در کشورهای نفتخیز رخ می‌دهد و بی‌پهای نفت را با نوسان مواجه می‌کند، انرژی مستقیم بر اقتصاد کشورهای توسعه یافته می‌گذارد، در همین حال وابستگی روزافزون این کشورها به منابع انرژی باعث شده است که برای تأمین منابع انرژی‌شان، از هیچ کاری رویگردان نباشند. امروز نفت سیاسی ترین کالایی است که هر حادثه‌ای را در جهان تحت تأثیر خود قرار داده است و همه این مسائل دست به دست هم داده‌اند تا سیاست‌های خارجی کشورهای توسعه یافته هنگام تدوین، گوشه چشمی هم به امنیت عرضه انرژی داشته باشد. به عبارتی گزینه دیپلماسی انرژی همیشه روی میز کار سیاستمداران ویرناهمه بریزان خودنمایی می‌کند تا هیچ اختلالی در مصرف ایجاد نشود. امروز کشورهایی در حال توسعه و پیشرفته چاره‌ای جز تدوین دیپلماسی انرژی خود ندارند تا بتوانند فرمان اداره میدان‌های نفتی و گازی کشورهای تولیدکننده را در اختیار بگیرند و هر آنچه را می‌خواهند به آن‌ها دیده‌کنند. این مساله باعث شده است تا توجه به دیپلماسی انرژی بیش از هر زمان دیگر در این سال‌ها جلب توجه کند. به نحوی که هر زحمان کشورهای تولیدکننده نفت و گاز با فشار مضاعف کشورهای مصرف‌کننده برای اجرای سیاست‌های مورد نظر آن‌ها مواجه می‌شوند، این سوال از سوی کارشناسان مطرح می‌شود که اگر این کشورها از همان ابتدا دیپلماسی انرژی خود را در بازارهای جهانی فعال می‌کردند و می‌توانستند سهم حضورشان در بازار انرژی را افزایش دهند، آیا امروز هم کشورهای توسعه یافته این گونه بی‌پروا از آن‌ها می‌خواستند تا به سیاست‌هایی که منافع آن‌ها را تأمین می‌کند، تن بدهند؟ در این میان ایران نیز با توجه به تشدید تحریم‌های بین‌المللی علیه صنعت نفت خود، نیازمند تدوین دیپلماسی انرژی و اجرای آن از سوی تمام ارگان‌های مسول در کشور است تا آثار سوء تحریرها علیه این صنعت را به واسطه افزایش تعداد کشورهایی که به منابع انرژی فسیلی ایران وابسته هستند، کاهش دهد.

رژیم بین‌المللی انرژی، فرصت‌ها و چالش‌ها

رژیم بین‌المللی انرژی در تریبات نهادهای است که بر رویا بین قدرت‌های بین‌المللی انرژی حکمرانی می‌کند و شامل مجموعه‌ای از قواعد و مکانیسم‌های ارگان‌های مختلف بین‌المللی بسرای قابلیت‌های مربوط به انرژی می‌شود.

رژیم بین‌المللی انرژی کنونی موازنه بین نیروها و منافع بازیگران عمده فعالیت‌های مربوط به انرژی را نشان می‌دهد و محصول رقابت بلندمدت صادرکنندگان و واردکنندگان انرژی و انواع مختلف سازمان‌های بین‌المللی مربوط به انرژی است. بخش عمده‌ای از این رژیم از سوی کشورهای پیشرفته که آمریکا رهبری آن را به عهده دارد، ایجاد شده و قابل تغییر نیز هست. این امر تنها تحت‌تأثیر اقتصاد، اجتماعی و سیاسی کشورهای دارای ذخایر غنی انرژی قرار دارد، بلکه عوامل سیاسی و بین‌المللی به خصوص تغییر در توازن بین‌المللی قدرت و تغییرات قواعد بین‌المللی نیز در آن تأثیر می‌گذارد.

در گزارشی که فصلنامه دیپلماسی انرژی منتشر کرده است، نگرانی نسبت به تهدید کمبود عرضه منابع انرژی باعث شده است تا کشورهای توسعه‌یافته و سازمان‌های بین‌المللی انرژی که از سوی این کشورها ایجاد شده است، همیشه روند تولید و عرضه منابع انرژی را رصد کنند. در این میان کشورهای تولیدکننده‌ای که از نظر اقتصادی کشورهای قدرتمندی نیستند و به این کشورها به لحاظ توان علمی و فنی و همچنین ورود سرمایه وابسته هستند، چاره‌ای جز پذیرش قواعد کشورهای توسعه یافته ندارند، حتی اگر همه چیز به ضرر آن‌ها تمام شود. این بدان معناست که بعضی از کشورهای امنیت انرژی سایر کشورها را کنترل می‌کنند که این امر حاکی از نابرابری در مدیریت استفاده از ذخایر انرژی جهانی است.

دیپلماسی انرژی چیست؟

دیپلماسی انرژی، به کاریگری با منابع و مذاکره برای پیشبرد اهداف و سیاست‌های بین‌المللی بخش انرژی و انعقاد قراردادهای بین‌المللی مربوط به این بخش و اعمال آن است. البته در تعریف دیگری از دیپلماسی انرژی در فصلنامه مورد اشاره آمده است، سازوکار و رویایی بر پایه چگونگی ایفای نقش مزیت یک کشور در زمینه مولفه‌های مرتبط با منابع انرژی، ظرفیت تولید، مسیرها و شیوه‌های انتقال، امنیت تولید، امنیت انتقال، مبادله، مصرف، تکنولوژی فنی و مهندسی مرتبط و نیروی انسانی متخصص حوزه‌های انرژی در زمینه پیشگیری از تحقق اهداف سیاست خارجی از یکسو و بهره‌گیری از منابع قدرت ملی یک کشور در عرصه سیاسی برای حمایت از برنامه‌های مرتبط با حوزه‌های بالادستی و پایین‌دستی انرژی از سوی دیگر.

دیپلماسی انرژی، فصل یونندهای ایران با اقتصاد جهانی انرژی

بازار انرژی طی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۰ ماهیت «کالایی» و «جهانی» پیدا کرده است. نفت دیگر در قالب قراردادهای خاص و انحصاری بلندمدت و با قیمت ثابت یا یک تأمین عمده خریدوفروش نمی‌شود، بلکه براساس قیمت‌های مبتنی بر بازار آزاد معامله می‌شود. در چنین بازاری هیچ مصرف‌کننده‌ای صرف نظر از میزان استقلال نمی‌تواند خود را از شوک‌های قیمت نفت جدا کند. از آن‌جا که بازار نفت در هم تنیده است و بانکها، صندوق‌ها و سایر نهادهای مالی را همراه با صنایع افراد و پد دیگر کرده است، هرگونه تحول در این بازار، صرفا به صنایع مصرف‌کننده جهانی محدود نخواهد شد. به این ترتیب راهمادی از تکلیف بین بازار انرژی، قیمت انرژی، منابع ملی و بین‌المللی و فرایندهای مربوط به دیپلماسی انرژی ایجاد شده است. از سوی دیگر هرگونه تحول در بازار نفت، گاز و مواد پتروشیمی، بر مانتیرهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی متوعی در ارتباط خواهد بود. در این جاست که دیپلماسی انرژی مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان انرژی را بیش از پیش به یکدیگر نزدیک کرده است، چرا که هیچ از یک از بازیگران یاد شده به تنهایی نمی‌توانند امنیت بر طرف دیگر تأثیر گذار خواهد بود.

ابراهیم بنتی، استاد دانشگاه تهران، در این باره می‌گوید: دیپلماسی انرژی به معنای آن است که بتوانیم زمینه لازم را برای عبور از محدودیت‌های تکنولوژیک، ژئوپولیتیکی، استخراجی، کشف و سرمایه‌گذاری فراهم کنیم.

وی، هر یک از مولفه‌های یاد شده را بخشی از واقعیت‌های دیپلماسی انرژی در شرایط رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌داند و می‌افزاید: در سال‌های اخیر سهم کشورهای صنعتی، قدرت‌های بزرگ اقتصادی و قدرت‌های در حال ظهور از مجموع مصرف انرژی روز به روز افزایش یافته، بنابراین این منابع برای این کشورها اهمیت حیاتی برخوردار شده است، به نحوی که بدون توجه به دیپلماسی انرژی، نقشه راه این کشورها کامل نمی‌شود و امکان آن در در میانه راه، از حرکت بازمانند بسیار زیاد است. پیشرفت تکنولوژی هم در کنونی دنیا باعث شده که عقب ماندن از کاروان رشد و پیشرفت حتی برای مدت کوتاهی به قیمت دست‌اندادن از فرصت‌های فراوانی تمام شود که این مساله هرگز از دید برنامه‌ریزان پنهان نمی‌ماند. این استنداشتگاه تهران اضافه می‌کند: ایران به عنوان یکی از غنی‌ترین کشورهای دارای منابع نفتی و گازی خلیج فارس نیازمند، رصد و شناسایی سیاست‌های انرژی مصرف‌کنندگان به ویژه قدرت‌های بزرگ اقتصادی و قدرت‌های در حال ظهور و بررسی اقیان‌های پیش‌رو در این زمینه است.

وی معتقد است که توجه به این مساله، فصل یوننده میان ایران با اقتصاد جهانی انرژی است، ضمن این که این حوزه نیازمند از سوی شرکت‌های چندملیتی و برخی از قدرتمند‌های منطقه‌ای به تنهایی شکل گیرد. با توجه به اهمیت انرژی در جاست حکمتی کشورها، نه تنها کشورهای واردکننده این منابع، بلکه کشورهاییکه به نیاز مبرمی به این منابع دارند، به تدوین دیپلماسی انرژی خود اقدام کرده‌اند.

دیپلماسی انرژی در روسیه

در مقطع زمانی ۱۲-۲۰۰۱ که قیمت نفت در حال افزایش بود و انتظار می‌رفت همچنان بالا برود، بخش مهمی از جامعه علمی روسیه معتقد بود که روسیه باید از پتانسیل انرژی خود به شکل مختلفی استفاده تبدیل شود. در همین حال پیشگاه شده بود که روسیه باید از پتانسیل انرژی خود به شکل مختلفی استفاده کند تا موقعیت عمومی خود را در عرصه بین‌المللی افزایش دهد و منافع ملی روسیه تأمین شود.

روسیه ۲۸ تریلیون مترمکعب گاز طبیعی دارد و بیش از ۳۴ درصد از منابع شناخته شده نفت جهان نیز در اختیارش است. افزایش بهای نفت و همچنین افزایش سرمایه‌گذاری خارجی به ویژه در بخش نفت باعث شده بخش انرژی برای روسیه نه تنها به لحاظ سیاسی، بلکه از وجوه استراتژیک نیز سهم قلمداد شود. این مصرف نفت ناشی از نیاز روسیه به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۰ میزان مصرف نفت در ایران ۲۸ تریلیون مترمکعب گاز طبیعی بوده است. در صورت افزایش مصرف گاز در ایران، میزان تولید گاز در ایران نیز افزایش خواهد یافت.

نگار صادقی

آغاز کند.محدودیت‌های روسیه در این زمینه عبارت‌اند از محدودیت‌های ویژه در بخش بالادستی تولید خصوصا در بخش گاز، محدودیت‌های زیرساختی صادرات روسیه را مجبور می‌کند صادرات خود را روانه اروپا کند و برای تنوع‌بخشی به مقاصد صادراتی‌اش باید سرمایه‌گذاری عظیمی انجام دهد که همین مساله، روسیه را به عنوان یک عرضه‌کننده متقلای و نه جهانی مطرح می‌کند.

ویژگی دیگر روسیه در مصرف داخلی بالای آن است، به نحوی که روسیه بیش از آن که صادرکننده انرژی محسوب شود، به عنوان کشور عمده مصرف‌کننده شناخته می‌شود.

براساس برآوردهای صورت گرفته، مصرف داخلی روسیه، بیش از تولید سالانه عرستان محدودیت‌های ساختاری و سرمایه‌گذاری روسیه با وجود پتانسیل بالای انرژی باعث شده است تا اقتدار لازم را در ایجاد مکانیسم‌های اثرگذار بر فعالیت شرک‌ها در اختیار نداشته باشد، به همین دلیل چندان نمی‌توان اقداماتی سازماندهی شده را در بازار نفت و گاز از سوی روسیه انتظار داشت.

از دیگر مسائلی که باید در دیپلماسی تعیین شده از سوی روسیه به آن توجه داشت، چالش‌های سرمایه‌گذاری آتی در بخش نفت و گاز است. حوزه‌های قدیمی روسیه در حال افث تولید است و اکتشاف حوزه‌های جدید به سرمایه‌گذاری بالایی نیاز دارد، به این ترتیب روسیه در رسیدن به راه دشواری را برای ایفای نقشی در خور توجه بازار انرژی جهانی پیش رو داشته‌باشد.

با این حال محدودیت‌ها و چالش‌هایی که روسیه در بخش انرژی خود با آن مواجه است، باعث نشده تا مسوولان بلندپایه این کشور همچنان از انرژی به عنوان ابزاری در سیاست خارجی خود بهره‌نگیرند.

ولادیمیر پوتین در ۲۵ دسامبر سال ۲۰۰۵ از عزم روسیه برای تبدیل شدن به یک ابرقدرت انرژی جهان سخن سخنان گفته بود که این امر نیاز از برنامه‌ریزی مدون این کشور برای اثر گذاری بیشتر بر این بازار است. تحلیلگران معتقدند ۳۴ سوبوری امکان استفاده روسیه از دیپلماسی انرژی وجود دارد:

– استفاده از وابستگی به انرژی و عرضه آن از سوی روسیه به منظور اهداف سیاسی خاص در رابطه با کشورهاییکه به نظر می‌رسد بیش از آن انرژی هم انرژی را از روسیه می‌خرند.
– استفاده از فرصت‌های بالقوه افزایش ظرفیت آینده از طریق پروژه‌های جدید خطوط لوله نفت و گاز (دیپلماسی خطوط لوله) تا منافع خاصی روسیه را در کشورهای مختلف به پیش برد.
– درگیر کردن سرمایه‌گذاران مشخص از کشورهای مهم در حوزه انرژی برای مشارکت در اجرای پروژه‌های تولید بالادستی نفت و گاز تا به این وسیله روابط دو جانبه با این کشورهای مهم ارتقا یابد.

– تحت کنترل گرفتن دارایی‌های پایین‌دستی انرژی در کشورهای مهم در حوزه انرژی به منظور دستیابی به اهداف اقتصادی و سیاسی.

در بخش نفت به نظر می‌رسد بیش از آن که اروپا به روسیه وابسته باشد، این روسیه است که به

اروپا وابستگی دارد. در زیر اروپا جایگزین‌های بسیاری در بخش نفت دارد.

در حال حاضر به نظر می‌رسد کشورهای استقلال یافته از شوروی سابق، مهم‌ترین مرکز توجه دیپلماسی روسیه باشند، چرا که انرژی هم انرژی برای بازسازی اقتصادی روسیه در این کشورها

به شمار می‌رود و هم این‌کم می‌توانند هم فشاری برای اعمال سیاست‌های مورد نظر این کشور باشند.

تجربه بر خورد روسیه با شرکای خود نشان می‌دهد که این کشور هنوز ابرهد بلندمدتی برای استفاده از انرژی ندارد و سیاست افزایش ناگهانی بهای انرژی در فصل سرد سال حاکی از این امر است، با این حال تلاش روسیه برای هدف سیاست قیمتی خود را در فیصل سرد سال که اروپا نیاز شدیدی به گاز این کشور دارد، همچنان ادامه دهد. اما در صورت تداوم این روند احتمال این که دیپلماسی انرژی کشورهای اروپایی فعال شود و بازارهای دیگری را هدف قرار دهد، بسیار زیاد است. حال اگر روسیه نیز بازارهای نفت خود را دست بدهد و کشورهای دیگر بلافاصله جایگزین آن شوند، بعید نیست این کشور نیز دیپلماسی مشخصی را در این زمینه اتخاذ کند تا بتواند در درآمدت سیاست‌های خود را بر این اساس مدون سازد.

در مورد گاز اما موضوع تا حدودی فرق می‌کند. خطوط لوله گاز هنوز در اختیار بازار اروپاست و تا آینده قابل پیش‌بینی در اختیار باقی خواهد ماند، به همین دلیل قدرت انعطاف کمتری را به بازار می‌دهد و کنترل بر ذخایر گاز جایگاه روسیه را استحکم‌تر می‌کند. براساس تخمین‌ها، روسیه حدود ۲۰ درصد گاز جهان را در اختیار دارد و تقریباً ۳۰ درصد دیگر در اختیار ایران و قطر است، مهم‌ترین منابع بلقده روسیه هم در خارج از اروپا و در اختیار الجزایر و ترکمنستان است. اساسا طرف روسیه برای جایگزین‌های انرژی متنوع‌سازی عرضه شده در دشتوارت خواهد بود. با توجه به نیاز روزافزون این کشور، به منابع انرژی، آن‌ها چاره‌ای جز اندیشیدن توسعه چندجانبه بازارهای انرژی خود ندارند، به عبارتی چنین‌ها هرگز تمام‌تخیرم‌هایشان را در یک سبد نمی‌گذرانند.

دیپلماسی انرژی در چین

کشور چین در تأمین بیش از ۸۰ درصد انرژی مورد نیاز خود به منابع خارجی وابسته است، به همین منظور وزارت خارجه این کشور موظف شده است برای تقویت امنیت انرژی این کشور، دیپلماسی انرژی این کشور را برنامه‌ریزی کند. حفظ و بهبود روابط دوستانه با کشورهای خارجه و دیگر کشورهای تولیدکننده انرژی در کنار توسعه مسیرهای دریایی بین‌المللی، تنوع بخشی منابع تأمین انرژی این کشور از طریق تقویت روابط اقتصادی و عرضه کننده انرژی، تنوع بخشی منابع انرژی مصرفی، توسعه صرفه‌جویی، مصرف پهنه انرژی توسعه و استفاده از انرژی‌های جایگزین می توجه به موضوعات زیست محیطی و پیگیری رویکردهایی برای ایجاد محیطی در راستای تقویت امنیت انرژی جهانی از جمله مهم‌ترین برنامه‌های دیپلماسی انرژی این کشور محسوب می‌شود.

دیپلماسی انرژی در چین

امنیت انرژی نه تنها با رشد سریع چین در ارتباط است، بلکه با امنیت فراگیر توسعه استراتژیک این کشور نیز پیوند دارد. فاش شدن سریع اقتصاد چین همراه با نیاز فزاینده این کشور به پهنه‌های انرژی موجب شده تا مصرف نفت ناشی از نیاز روسیه به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۰ میزان مصرف نفت در چین به حدود ۲۵۰ میلیون تن و میزان مصرف گاز طبیعی این کشور به حدود ۱۰۰ میلیارد مترمکعب

نبض سیاست خارجه هماهنگ با دیپلماسی انرژی



جهانی توجه به این امر بسیار ضروری است.

افزایش درآمدت یکی از راههای توسعه اقتصاد ایران محسوب می‌شود، همان طور

در سال ۲۰۰۵ میزان تولید انرژی اولیه در چین به ۲۱۰۶ میلیارد تن زغال سنگ رسید که ۸٫۷برابر دوره

کوتاه‌بعد از تأسیس چین نو و ۲۱۹٫۹ برابر طول دوره آغاز سیاست رفرم و درهای باز بود.

دیپلماسی انرژی در ابتدا بخش زیادی از کل دیپلماسی این کشور را به خود اختصاص نمی‌داد، اما هم‌ام با شکوفایی اقتصاد چین و رشد تقاضا برای انرژی، عرضه انرژی وارداتی سه و طبقه مهمی برای استراتژی تبدیل چین شد. براساس آمار مربوط به سال ۲۰۰۳، مصرف نفت چین برای اولین بار بر مصرف نفت ژاپن پیشی گرفت که از نظر زبده‌بندی بعد از آمریکا در مرتبه دوم قرار دارد. هم اکنون مصرف روزانه نفت چین سه ۵/۴۵ میلیون بشکه رسیده که ۶/۵ درصد مصرف جهانی است. با توجه به ارزش استراتژیک نفت، مراکز تولید نفت جهان اکنون رقابت نیروهای سیاسی

مختلف شده است و در آینده با توجه به نیاز همه کشورهای جهان برای بقا و توسعه، رقابت به سر نفت شدیدتر و ترشن تر خواهد بود، به این ترتیب به نظر می‌رسد حفظ امنیت نفت در آینده دشوارتر خواهد بود. با توجه به نیاز روزافزون این کشور، به منابع انرژی، آن‌ها چاره‌ای جز اندیشیدن توسعه چندجانبه بازارهای انرژی خود ندارند، به عبارتی چنین‌ها هرگز تمام‌تخیرم‌هایشان را در یک سبد نمی‌گذرانند.

اگر چه سیاستمداران این کشور در روابطشان با شرکای خود شی‌های سیاسی و اقتصادی را نیز مدنظر قرار می‌دهند، اما از سوی دیگر این اختیار را نیز به شرکت‌های خود می‌دهند تا در کنار دولت، به مذاکره با سایر شرکای تأمین منابع انرژی خود بپردازند.

چین به عنوان یک واردکننده بزرگ انرژی، تاکنون سیاست بین‌المللی مشخصی در زمینه انرژی نداشته، اما این بدان معنا نیست که حکومت چین هیچ‌گونه سیاست در زمینه انرژی ندارد. چنین‌ها انرژی‌ها به هدف توسعه و امنیت انرژی متنوع، دیپلماسی انرژی را انجام داده‌اند. بدون شک، دیپلماسی انرژی در این زمینه تضمین توسعه، راهکارهایی را برای هم‌زیستی بین عرضه انرژی و حفظ محیط‌زیست توسعه خواهد داد، به عبارت دیگر هم‌زیستی بین عرضه انرژی و پیشرفت تکنولوژی، به این ترتیب، تأمین امنیت دستیابی به تکنولوژی‌های پیشرفته و قابل دسترسی مربوط به انرژی و ارتقای منابع انرژی و پاک و تجدیدپذیر در کانون دیپلماسی انرژی چین خواهد بود.

دیپلماسی انرژی بخشی از سیاست کلان نفتی ایران

دیپلماسی انرژی را می‌توان بخش از سیاست‌های کلان نفتی ایران در دوران‌های مختلف دانست. ابراهیم بنتی استاد دانشگاه تهران، معتقد است برای حفظ و افزایش سهم ایران در بازارهای اقتصاد

توجه به راهبرد گسترش بازارهای صادراتی

ایران به عنوان کشور کمپن درارنده منابع گاز بحد از روسیه و چهارمین کشور دارنده ذخایر نفت ایران به دیپلماسی انرژی ایران به ویژه حوزه انرژی یانسه، به این ترتیب افزایش نقش ایران در اقتصاد جهانی انرژی، پیش درآمد تحرک بین‌المللی از طریق دیپلماسی انرژی محسوب می‌شود.

زمانی که دیپلماسی انرژی فعال شود، به دنبال آن شاهد تحرک اقتصادی و دیپلماتیک نیز خواهیم بود. در این میان کشورهاییکه از موقعیت ژئوپولیتیکی موثری در اقتصاد بهره‌می‌گیرند، دارای توان تحرک لازم برای فعال سازی دیپلماسی انرژی خود هستند. زیرا موقعیت ژئوپولیتیکی به عنوان یکی از شاخص‌های مزیت نسبی در تولید و انتقال ذخایر اقتصادی محسوب می‌شود.

دیپلماسی انرژی می‌تواند زمینه‌های لازم را برای عبور ایران از تحریم‌های اقتصادی و بین‌المللی فراهم کند. مساله این است که قابلیت‌های فنی، حرفه‌ای فناوری و اقتصادی ایران در حوزه انرژی با توجه به ذخایری که در این بخش دارد به گونه‌ای است که می‌تواند در اقتصاد انرژی جهانی نقشی بهترین فرصت است تا در زمینه ظرفیت‌سازی برای افزایش صادرات کالاهای اقتصادی اقدام کنیم. برای تحقق این امر نیز در صورتی که دیپلماسی انرژی ایران بیش از پیش فعال شود، می‌توانیم از طریق همکاری‌های چندجانبه در حوزه منطقه‌ای و بین‌المللی، نه تنها بازارهای انرژی خود را توسعه دهیم، بلکه زیربنای اقتصادی کشور را از طریق این درآمد‌ها بازسازی کنیم و به توسعه همه‌جانبه کشور همت بگذاریم.

به اعتقاد منتقن، اگر دیپلماسی انرژی به افزایش درآمد‌های ملی ایران منجر شود، در این شرایط زمینه عبور از تهدیدهای چندجانبه بین‌المللی و منطقه‌ای اجتناب‌ناپذیر خواهد بود، زیرا این بار شرکتهای چندملیتی هستند که برای جلوگیری از متضرر شدن و از دست دادن بازارهای بالقوه خود از اهم فشار سه دولت‌های شیوع‌شان استفاده می‌کنند

تا کمترین آسیب را به اقتصاد کشورهاییکه با آن‌ها سروادرات تجاری و اقتصادی دارند، وارد کنند. با توجه به این‌که در سیاست‌های کلان حوزه انرژی بر ضرورت اتخاذ تدابیر و راهکارهای مناسب برای گسترش اکتشاف نفت و گاز تأکید شده است، می‌توان دیپلماسی انرژی را گامی موثر در جهت شناخت کامل منابع، افزایش ظرفیت تولید سیامت شده منابع انرژی و توسعه فناوری در زمینه منافع و صنایع انرژی به ویژه در حوزه نفت گاز و پتروشیمی دانست.

در واقع دیپلماسی انرژی با سخنی به تهدیدات و محدودیت‌های ژئوپولیتیکی ایران محسوب می‌شود، به عبارت دیگر می‌توان از طریق دیپلماتیک، برنامه‌ریزی اقتصادی-انرژی قابلیت‌های فنی، تکنیکی و بهره‌گیری از منابع اقتصادی، زمینه‌های لازم را برای فعال سازی دیپلماسی فراهم آورد.

این امر را می‌توان اصلی‌ترین محور دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی، اقتصادی و امنیتی کشورها دانست.



بنابراین طبیعی است که دیپلماسی انرژی یکی از شاخص‌های موثر و تعیین‌کننده در ارتقای میزان ذخایر اقتصادی ایران به ویژه حوزه انرژی یانسه، به این ترتیب افزایش نقش ایران در اقتصاد جهانی انرژی، پیش درآمد تحرک بین‌المللی از طریق دیپلماسی انرژی محسوب می‌شود.

زمانی که دیپلماسی انرژی فعال شود، به دنبال آن شاهد تحرک اقتصادی و دیپلماتیک نیز خواهیم بود. در این میان کشورهاییکه از موقعیت ژئوپولیتیکی موثری در اقتصاد بهره‌می‌گیرند، دارای توان تحرک لازم برای فعال سازی دیپلماسی انرژی خود هستند. زیرا موقعیت ژئوپولیتیکی به عنوان یکی از شاخص‌های مزیت نسبی در تولید و انتقال ذخایر اقتصادی محسوب می‌شود.

تدوین راهبرد انرژی از سوی دستگاه‌های مسول

با توجه به آن‌چه گفته شده مساله مطرح این است که دیپلماسی انرژی بدون استراتژی تسلاوم چندسلی نخواهد یافت و برای تحقق آن بایدند جهت دسترسی سه بازارهای جهانی مانند جذب سرمایه خارجی سه صورت مستقیم، غیرمستقیم، دو جانبه- چندجانبه،

حفظ اقتصاد ملی در برابر چالش‌های اقتصاد جهانی، خارج شدن بازار نفت از انحصار شرکت‌های بزرگ چند ملیتی سه قادر سه کنترل تولید، بازار و قیمت کالا‌ها هستند، اقدام تنوع بخشنی به سرمایه‌های انتقال انرژی که از طریق الگوهای چندجانبه حاصل می‌شود، مدیریت کنترل قیمت در شرایط بی‌ثباتی و ناپایداری در اقتصاد جهانی و مبارزه با هرگونه اقدامات اقتصادی و شکل‌گیری عدالت اجتماعی لازم است از الگوهای گسترش هم‌کاری‌ها در بازار جهانی استفاده شود.